

بررسی پدیده عکاسی در ساختارهای اجتماعی،

با توجه به جایگاه حرم امام رضا (علیه السلام)، با رویکردی روایی/ بخش اول

شغل شریف

فرزاد باقرزاده

همچنان خواهد گذشت و بسیاری چیزها تغییر خواهد کرد. و سوال اینجاست، چه چیزهایی جایگزین آن "اینان" خواهند شد؟
حراجی‌های کبوترهای گلدسته‌ها...؟؟؟!!! گالری‌های هنری در کنار موسیقی عزاداری...؟؟؟!!! شعبه جدید فروشگاه لباس در کنار سرای قماش...؟؟؟!!! فست فودهای معلق که اعمال زیارتی را انجام می‌دهند...؟؟؟!!!

این مقاله، مجالی است تا برای نمونه‌ای از این پدیده‌ها، در ساختارهای اجتماعی مشهد، نوشتاری جمع‌آوری کنم: روند پیدایش عکاسی، در این شهر.

مبدا پیدایش عکاسی، به درستی مکتوب نشده. می‌توان نشانه‌هایی از آن را، قبل از ژوزف نیپس، در حدود ۱۸۲۶ میلادی، پرس‌وجو کرد. (با توجه به دیدگاه پدیدارشناسی نگارش به وسیله نور، به‌طور خاص، عکاسی با ابداع صفحات حساس به نور، به رسمیت شناخته شد. این درحالی بود که استفاده از اتاقک‌های تاریک، بازگشتی است به ۱۴۵۲ میلادی. از این رو، نه تنها نیپس فرانسوی، بلکه پیش از او، استفاده از اثرات کلرید نقره در آزمایش‌های شیمیدانان، آزمایش‌های فیزیک نور و حتی تردستی‌های مردم، متداول بود.) او با ارزش‌گذاری شاخص خود بر ثبت نور در حال گذر از دریچه جعبه‌ای بن‌بست، مسئولیت سنگینی بر دوش پیروانش نهاد. (تصویر ۱)

(... آقا شما دنبال اتاق می‌گردی...؟!)
ترمینال... ترمینال دو نفر!
حراج انتهای پاساژ... بفرمایید.
عکس حرم بارگاه می‌گیریم، عکس با ضریح، تشریف ببرید داخل، نمونه‌ها رو نگاه کنید...)

جلوه‌های گوناگونی از زندگی، در این شهر وجود دارد. برخی شیرین و برخی تلخ. اغلب زیبا و گاه شرم‌آور. خلاصه، چند خطی از شلوغی‌های خیابان تهران مشهد، حاوی بسیاری خاطرات، نه تنها برای ساکنان شهر، بلکه برای سایر فرهنگ‌ها و قوم‌های این کشور است. اینها نمادهایی‌اند که نسل به نسل، در ذهن مردم جای گرفته‌اند و فرم‌دهنده جریان‌های زندگی‌اند.

نه تنها «ما»، بلکه میدان ارگ تهران، خیابان و میدان ساعت تبریز، کوچه‌های بازار کرمان و ... دوباره «ما»، با خیابانی دو طبقه، از ترمینال شهر تا نور طلایی انتهای آن.
در مورد کبوترهای بارگاه نخواهم نوشت. می‌خواهم آن کودک دعافروش را بنویسم. شلوغی‌های کلافه‌کننده خیابان و دود آلوده اتوبوس‌های خطی. عطر بست بارگاه مطهر، به همراه بوی گلاب و داروی‌های گیاهی. صدای مداحی که از داخل هر فروشگاه به گوش می‌رسد. بازار فرش‌فروشان و راهروهای باریک، که به طبقات بالا منتهی می‌شوند. هنوز می‌توان آثار پارچه‌دوزی‌ها، خیاطی‌ها و عکاسی‌های «گذشته» را در آنجا یافت و ...

پس از او، دیگر گروه‌های فرانسوی و ایتالیایی، با دوربین‌های خود به نقاط متعدد ایران سفر کردند. این نوشتار، قصد دارم بحث اصلی را به عکاسان ایرانی و فعالیت‌های صورت گرفته در شهر مشهد، اختصاص دهم و تنها با نگاهی مختصر به این گروه‌ها و اشخاص، زنجیره تاریخی را حفظ خواهیم کرد. اما در این میان، ذکر نام برخی ضروری است؛ افرادی که نقش قابل توجهی در دوره زمانی خود داشتند.

"فوکه‌تی"، افسر ایتالیایی بود که در نوامبر ۱۸۵۱م (۱۲۶۸ ق) به جهت تدریس در دارالفنون استخدام شد. وی به شاگردانش شیمی و داروسازی درس می‌داد و نیز در بیمارستان دولتی فعالیت داشت. دانش ثبت نور او، مستقیماً به علاقه او به شیمی بازمی‌گردد. به گونه‌ای که محمدحسن خان اعتمادالسلطنه - مورخ ناصری - در مورد او در کتاب مرآت البلدان نوشته: «... او معلم طبیعی، اول کسی است که در مدرسه طهران، کلودیون استعمال نمود...» کارهای او، اغلب ناشی از کنجکاوی‌های وی بودند.

هم وطن فوکه‌تی، "لوییجی پشه"، کمی بعد به موازات او، برای تعلیم نظامیان وارد ایران شد و در یک مدرسه نظامی به تدریس پرداخت. پشه، به واسطه موقعیت‌ها و ماموریت‌های کاری خود، آلبوم‌های با ارزشی (شماره ۲۳۸۳/۹۱۱ آلبوم خانه کاخ گلستان) از شهر تهران و حجاری‌های کرمانشاه به دست آورد. در سال ۱۸۵۸م (۱۲۷۴ ق) نیز، فرصت عکس‌برداری از بناهای تخت جمشید و پاسارگاد، برای او مهیا شد. وی آلبوم حاوی این تصاویر را، بعدها (در ۱۵ رمضان ۱۲۷۴ ق / ۲۹ آوریل ۱۸۵۸م) به ناصرالدین شاه جوان تقدیم کرد (تصویر ۲، آلبوم شماره ۳۳۵ کاخ گلستان). از نکات مورد توجه در کار این عکاسان، توضیحات مربوط به محل و جزئیات تصویر است که با خط شکسته در حاشیه‌های نور نخورده ثبت شده. با در نظر داشت مشقات روش کلودیون تر، کار او هم ارزش با سایر عکاسان دنیا، در دیگر نقاط متعدد جهان است. هرچند که هیچ‌وقت در یک برنامه هدفمند، شکل نپذیرفت. (تصویر ۳) با استناد به اسناد مکتوب و صفحات تصویری به دست آمده، در کنار گروه‌های ایتالیایی، حضور گروه‌های فرانسوی «هانری دوکولی بُف د بلوکوبل» و «کافلیه» در سال‌های ۱۸۶۰ تا ۱۸۵۷م (۱۲۷۴ تا ۱۲۷۷ ق)، و گروه مهندسان خط تلگراف آلمانی «هولستر»، در سال ۱۸۶۳م (۱۲۸۰ ق)، با نگرش هدفمندتر به آرامنه اصفهان، به چشم می‌خورد.

در این بین، یک عکاس از اهمیت خاصی برخوردار است. از گونه شاهکارهای آلبوم‌های کاخ گلستان، تصویر چهار آلبوم، به شماره ۳۸۴/۳۰۴ حاوی صفحاتی از مشهد و نقاط تاریخی و مذهبی آن است و تنها عکس شماره ۲ در این آلبوم، دارای امضای "iannuzzi" (۱۸۵۸م / ۱۲۷۵ ق) است.

در گوشه تعاملات سیاسی دولت ایران با سایر کشورها، در انتهای حکومت محمدشاه‌غازی (۱۸۴۰ م / ۱۲۵۷ ق) و سپس ناصرالدین‌شاه، ایران اولین مبادلات فرهنگی و اقتصادی خود را تجربه کرد. کمی بعد، ورود انواع علوم و فنون جدید، و تدریس آن به وسیله افسران نظامی در دارالفنون، در حدود سال‌های ۱۸۵۱ م / ۱۲۶۸ ق میسر شد و درست زمانی که اروپا برای ثبت تصاویر بر روی صفحات مسطح، به پیشرفت قابل توجهی دست پیدا کرد، عکاسی توسط بنیان آن (ایتالیا، فرانسه و اتریش) وارد ایران شد و به مبحثی قابل تدریس در دارالفنون بدل گشت. ژول ریشار فرانسوی، در سال‌های ۱۸۴۵ - ۱۸۴۳م (۱۲۶۲ - ۱۲۶۰ ق)، اولین عکس‌ها را به روش چاپ نقره، در ایران تهیه کرد. او ابتدا در تبریز سکونت داشت و حرمسراها، مراسم و آئین‌های مذهبی و سنتی، موضوعات اصلی این عکس‌ها بودند.

مدارک نوشتاری به دست آمده نشان می‌دهند ابتدایی‌ترین روش عکاسی در ایران، روش داگروتیب بود و ریشار از این روش برای ثبت تصاویر خود استفاده می‌کرد. به دلیل آنکه کسی در ایران توانایی استفاده از سیستم داگر را نداشت، ریشار به دربار فراخوانده شد و کمی بعد نیز به تدریس در دارالفنون مشغول شد.



تصویر ۱: اولین عکس ثبت شده توسط ژوزف نیه فورنیس به روش هیلوگرافی، حدود ۱۸۲۶م



تصویر ۲: شرحی درباره ی عکس‌برداری لوییجی پشه از بنا های تخت جمشید به سال (۱۲۷۴ ق/۱۸۵۸م). در صفحه نخست آلبوم شماره 336/7356 آلبوم خانه کاخ گلستان تهران.

تنها اطلاعات به دست آمده از آنتونیو جیانوزی، نشان‌گر آن است که وی، از اهالی ناپل ایتالیا بوده و به عنوان یک مستخدم در دربار فتحعلی‌شاه قاجار فعالیت می‌کرده. (ایتالیایی‌ها و عکاسی در ایران، محمدرضا طهماسب پور)

تمرکز بر روی این عکاس، ما را به سوی هدف این نوشتار، سوق می‌دهد. وی را می‌توان از اولین بانیان عکاسی در ائینه و مکان‌های مقدس، به ویژه حرم امام‌رضا(علیه السلام) دانست (تصویر ۵ و ۷). از نحوه توضیحاتی که او در پایین تصاویر ثبت کرده، گمان می‌رود که وی، در کنار ماموریت‌هایش در خراسان و شهرهای اطراف، به ثبت این لحظات پرداخته: «... صورت صحن نو که خاقان خلد آشیان، فتحعلی‌شاه در مشهد مقدس ساخته‌اند، مشهور به در پایین پا. در ایوان رو به مشرق، پشت به مغرب باز می‌شود که این بنا را جان‌افشان، در ایام ماموریت خود فطرافی عکس برداشته. امید مقبول رای جهان‌آرا گردد. سنه ۱۲۷۵ ق...»

تاریخ تقدیم این آلبوم نیز، تقریباً یک سال پس از زمانی است که، پیشه عکس‌های تخت جمشید را به ناصرالدین‌شاه عرضه کرد. جیانوزی در مسیر حرکتش، سایر نقاط از جمله آرامگاه نادرشاه، مسجد شاه، مسجد مصلی و آرامگاه پیرپالاندوز و نیز، سایر نقاط تاریخی مذهبی مشهد را در آلبوم شماره ۳۸۴/۳۰۴ که متشکل از ۲۲ قطعه است، ثبت کرده. در این بین، تصاویر حرم مطهر امام رضا(علیه السلام)، از جایگاه ویژه‌ای برخوردار هستند. در تمامی تصاویر ائینه وی، پیکره "انسان" دیده می‌شود. او این کار را به منظور نمایش مقیاس بنا، انجام می‌داده. از دیگر ویژگی‌های بارز تصاویر جیانوزی، می‌توان از نوع حاشیه‌ی تصاویر وی سخن گفت. او همواره در حاشیه‌های رنگی (تصویر ۵ و ۴، نوار قرمزی به عرض ۷ سانتیمتر در کنار نوار سبز رنگ با عرض ۳ سانتیمتر)، کلودیون‌های خود را، که با چاپ آلبومین چاپ کرده‌بود، ارائه می‌کرد که در نوع خود یک خلاقیت به شمار می‌رفت. در حال حاضر، اطلاعات مربوط به جیانوزی، در همین سطح باقی مانده که اینها را مدیون تلاش‌های جناب محمدرضا طهماسب پور هستیم.

لوییجی مونتابونه، دیگر نامی است که در میان عکاسان فرنگی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. مونتابونه، تا آن زمان، تنها عکاس حرفه‌ای به شمار می‌آمد (او اولین کسی بود که، تنها، به عکاسی می‌پرداخت). به موازات بهبود روابط دوستی میان ایران و ایتالیا، وی به همراه یک هیئت علمی، در سال ۱۸۶۲ م (۱۲۷۹ ق)، وارد ایران شد و حدوداً چهار ماه بعد، به اروپا بازگشت. پس از مراجعت، عکس‌های او در سالی در پاریس، به نمایش درآمدند و وی موفق به دریافت نشان افتخار شد. امروزه، عکس‌های مونتابونه، جزو منابع ارزشمند تاریخ ایران به شمار می‌آیند.

در کارهای او زنان دیده نمی‌شوند و تصاویر، اغلب، از کیفیت مطلوبی برخوردارند. مهارت مونتابونه حتی در حالت دادن به مدل‌ها، انتخاب زاویه و تکنیک‌های رنگ آمیزی، شاخص و قابل تحسین‌اند (تصویر ۸ و ۹). عبور از نام او ظلمی است به تاریخ هنر ایران و خود مجالی مجزا می‌طلبد، اما هم‌اکنون چاره‌ای جز کلام موجز، نیست.

در طی سالهای ۱۲۸۵ م (۱۲۷۵ ق)، عکاسان ایرانی تعلیم‌دیده در دارالفنون و یا آنان که در فرنگ به تحصیل علم این "شغل شریف" پرداخته بودند، به دربار فراخوانده شدند و یا در عکاسخانه‌های شخصی خود، شروع به فعالیت کردند. حال دیگر، دوره‌ی فعالیت عکاسان ایرانی آغاز شده‌بود. ناصرالدین‌شاه اولین شخصیتی است که در این توالی، نقش داشت. برخی، ناصرالدین‌شاه را اولین عکاس ایرانی می‌دانند. گرچه، منابع مصوری به امضای خود شاه در کاخ گلستان، حاکی از این نکته است ولی، در تحقیقاتی که یحی ذکاء و شهریار عدل، در سال‌های بعد انجام داده‌اند، جویای احوالات "ملک قاسم میرزا"، به عنوان اولین عکاس ایرانی شدند (سیر تحول عکاسی، دکتر محمد ستاری، صفحه ۲۹).

ملک، پسر بیست‌وچهارم فتحعلی‌شاه بود و به روش داگروتیپ کار می‌کرد. اما فعالیت‌های ناصرالدین‌شاه را، نه در جایگاه یک هنرمند، بلکه به عنوان یک هنردوست، می‌توان مورد بررسی قرار داد. از یادداشت‌های او پیداست که وی، با تمامی



تصویر ۴: صورت صحن نو، با شرحی درباره معرفی بنا، عکاس جیانوزی، شماره ۳۸۴/۳۰۴ آلبوم خانه کاخ گلستان.



تصویر ۵: «شکل مقبره نادرشاه در بالا خیابان مشهد مقدس»، عکاس جیانوزی، آلبوم شماره ۳۸۴/۳۰۴ آلبوم خانه ی کاخ گلستان



تصویر ۶: نمای عمومی از منظره گنبد حرم امام رضا (ع) و ساختمانهای اطراف آن. امضای جیانوزی در پایین سمت راست عکس دیده می‌شود. بایگانی عکس موزه ملی هنرهای آسیایی گیومه. عکس شماره AP ۱۱۳۲۷



تصویر ۷: خرابه های توس، عکاس جیانوزی، بایگانی عکس موزه ملی هنرهای آسیایی گیومه، عکس شماره AP ۱۱۲۵۵



تصویر ۸: ناصرالدین شاه قاجار، عکاس لوییجی مونتابونه، سال ۱۸۶۸م/۱۲۷۹ق، آلبوم شماره ۷۳۹۵/۳۷۴ آلبوم خانه کاخ گلستان.



تصویر ۹: مظفرالدین میرزا ولیعهد ناصرالدین شاه، عکاس لوییجی مونتابونه، سال ۱۸۶۲م/۱۲۷۹ق، آلبوم خانه کاخ گلستان، شماره ۷۳۹۵/۳۷۴.

روش‌های علمی و فنی عکاسی (کلودیون، چاپ آلبومین، سالت و...) آشنا بوده. یکی از مجموعه‌های بحث برانگیز و بی‌دلیل ناصرالدین‌شاه، عکس‌هایی است که خود او، از اندرونی کاخ گلستان ثبت کرده و موضوع اغلب تصاویر، مجالس سلطنتی و زنان، در خلوت خانه‌ها و حرماًها هستند. این مجموعه "بیوتات" نام دارد و میان تصاویر عکس‌های برهنه‌نگاری وی از زنان دربار، قابل رویت است. گرچه، برخی معتقدند، او متأثر از عکس‌های فرانسوی‌ها به ثبت این تصاویر پرداخته، ولیکن گمان آن نمی‌رود.

آقا رضاخان اقبال السلطنه (۱۳۰۷ - ۱۲۵۹ ق)، شاخص‌ترین عکاس دربار بود و لقب عکاس‌باشی را در حدود ۱۲۸۰ ق از ناصرالدین‌شاه دریافت کرد. در یکی از تصاویر مونتابونه، آلبوم شماره ۷۳۹۵/۳۷۴، که در کاخ نیاوران ثبت شده، چهره جوان آقا رضا به چشم می‌خورد. ۲۷ سال در دستگاه سلطنت عکاسی کرد و می‌توان او را اولین عکاس حرفه‌ای ایران دانست. سرانجام به صورت مرموزی درگذشت.

دیگر عکاس دربار، که متأخرتر از وی، ولی پرآوازه‌تر است، عبدالله میرزای قاجار است که در سال ۱۲۶۶ ق متولد شد. او پس از دارالفنون، برای تکمیل آموزه‌های خود، به فرانسه و اتریش سفر کرد. در آنجا عکاسی را به درستی آموخت و با هزینه شخصی خود، شرایط ماندگاری را فراهم کرد تا جایی که مخارج اجازه ماندن به او نداد. او خود را با مشقت فراوان به ایران و سپس دربار شاه قاجار رساند و به این‌گونه در سال ۱۳۰۶ ق، به مدیریت عکاس‌خانه دارالفنون منسوب شد. همچنین، در تعدادی از صفحات آلبوم سلطنتی، نام او به چشم می‌خورد. از بارزترین خدمات وی، تربیت شاگردان بسیاری در دارالفنون بود. بسیاری از عکاسان بعد از او را، شاگردان وی تشکیل می‌دهند.

عکاسانی همچون "ماشالله‌خان عکاس" (نمونه عکس‌های وی، در مجموعه عکس‌های کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران موجود است). "محمد جعفرخان" و "روسی خان" از دیگر شاگردان عبدالله میرزا هستند. عکاس‌خانه روسی‌خان، در خیابان علاءالدوله واقع بود و در همان خیابان، شاگرد دیگر وی، یعنی "آنتوان سوریوگین" (ارمنی، فعالیت داشت که جزو پرکارترین عکاسان زمان خود به‌شمار می‌رفت. در انتهای بخش اول این نوشتار، به مشهد رسیدیم... السلام علیک یا علی بن موسی الرضا(علیه السلام)...

فهرست منابع و مآخذ:

- ۱- ایتالیایی‌ها و عکاسی در ایران/ محمدرضا طهماسب‌پور/ نشر قو / ۱۳۸۵
- ۲- سیرت‌حول عکاسی/ پیت تاسک، دکتر محمد ستاری/ نشر هنر/ ۱۳۸۵
- ۳- عکاس‌خانه‌ی ایام / نسرتین ترابی / نشر کلهر / ۱۳۸۳
- ۴- داستان عکاسی / رضا نبوی / نشر نی
- ۵- تاریخ تطبیقی عکاسی ایران و جهان/ شهریار خوانساری/ نشر علم/ ۱۳۸۵
- ۶- تاریخ عکاسی و عکاسان پیشگام در ایران/ یحیی ذکا/ انتشارات علمی فرهنگی/ ۱۳۷۶